اخبار

بی‌خبری دبیر جشنواره فجر از وضعیت نامناسب اکران فیلم‌ها!

افراد مستقر در کاخ جشنواره و کاخ مردمی و سینماهای مردمی جشنواره سی‌وچهارم فیلم‌فجر هر روز شاهد ادامه یافتن بی‌برنامگی‌ها از مرحله حضور در صف تا زمان نمایش فیلم‌ها هستند این در حالی است که مدیران و مجریان برگزاری جشنواره به دور از توانایی لازم در ایجاد جوی مناسب و فرهنگی! همچنان در حال ادامه دادن شعارها و وعده‌های ابتدایی مبنی بر نظم‌گرایی هستند و برای نمونه دبیر سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر روز جمعه اعلام کرد تنها دارندگان کارت‌های جشنواره مجاز به حضور در سالن‌های نمایش آثار در برج میلاد هستند و کارت‌های کاغذی رنگی، تک‌سانس و یک‌روزه فاقد اعتبار خواهد بود. این در حالی است که در همین روز و زمان اکران فیلم «بادیگارد» جمعیت انبوهی در کاخ جشنواره حضور یافتند که مشخص بود بخش قابل‌توجهی از آنان جزو اهالی رسانه یا هنرمندان فعال نبوده و به شکلی خانوادگی(!) ورود یافته‌اند و این مساله موجب شد بسیاری از اهالی رسانه به نحوی نامناسب در بالکن سالن اصلی یا در ۲ سالن جنبی برج میلاد به تماشای فیلم بنشینند و برخی هم روی پله‌ها یا به‌صورت ایستاده فیلم را ببینند! این در حالی است که همانطور که پیش‌بینی می‌شد مدیر جدید جشنواره فیلم فجر در برداشتی وارونه از استقبال مردم از فیلم «لانتوری» و ازدحام بیش از حد برای تماشای این اثر سینمایی تشکر کرد! محمد حیدری در ادامه تلاش‌های خستگی‌ناپذیر(!) ستاد اجرایی حتی عنوان کرد: کارت‌هایی که به نام عوامل فنی (شامل تصویربردار و امور فنی رسانه‌های مکتوب، صوتی، تصویری، رادیو و تلویزیون) و عکاس صادر شده نیز همانند قبل امکان ورود به سالن همایش‌های برج میلاد محل نمایش فیلم‌های جشنواره را ندارند. حیدری تصریح کرد: دسترسی به سالن‌های سینمایی به جز کارت‌های مجاز بارکددار و عکس‌دار به هیچ عنوان به سالن‌های نمایش فیلم‌های سینمایی امکانپذیر نیست و تلاش ما بر ایجاد نظم هر چه بیشتر در نمایش فیلم‌های پیش رو در روزهای آتی در جشنواره فیلم فجر در برج میلاد است! تصورات وهم‌گرایانه رئیس سازمان سینمایی از دبیر جشنواره هم فراتر رفته و در اظهارنظری قابل توجه عنوان کرده است نظم و رعایت قوانین، ویژگی امسال جشنواره است! رئیس سازمان سینمایی در اظهارنظری قابل توجه بیان کرد: نحوه برگزاری جشنواره امسال راضی‌کننده است، چون علاوه بر مردم بسیاری از تهیه‌کنندگان و کارگردانانی که پیشکسوت این عرصه هستند هم از برگزاری جشنواره سی‌وچهارم ابراز خشنودی می‌کنند. حجت‌الله ایوبی با اشاره به نظم حاکم بر سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر گفت: یکی از ویژگی‌های جشنواره امسال، نظمی است که بر آن حاکم است! این گفته‌ها در برابر مشاهدات رخ داده در زمان اکران فیلم‌ها، نشان‌دهنده بی‌خبری مطلق مسؤولان سینمایی و دبیر جشنواره از اتفاقات رخ داده، است.

■■■

فرمانده کل سپاه پاسداران به تماشای «رسوایی۲» نشست

فرمانده کل سپاه پاسداران درباره «رسوایی۲» گفت: این فیلم با هنرمندی ساخته شده است و در نهایت هم با اعتقادات مردم و سنت‌های الهی فیلم تمام می‌شود. سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پنجشنبه‌شب با حضور در سازمان هنری ـ رسانه‌ای اوج به تماشای فیلم سینمایی «رسوایی۲» نشست. در این اکران خصوصی سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز سردار جعفری را همراهی می‌کرد. فرمانده کل سپاه پس از تماشای فیلم جدید ده‌نمکی در سخنان کوتاهی گفت: کار بسیار خوبی بود. با توجه به سابقه فیلم‌های آقای ده‌نمکی که همیشه استقبال خوبی از آن شده، این فیلم هم که بخش تلخ جامعه ما به حساب می‌آید، با هنرمندی ساخته شده است و در نهایت هم با اعتقادات مردم و سنت‌های الهی فیلم تمام می‌شود. وی در ادامه با تایید محتوای فیلم افزود: در این فیلم نشان داده می‌شود که با رفتن عالم از شهر زلزله می‌آید و این اهمیت وجود علما در شهر را می‌رساند و در ادامه نشان داده می‌شود اگر هم احیاناً زلزله بیاید، به‌خاطر علاقه مردم به اهل‌بیت و عزاداری‌های مردم دچار عذاب الهی نمی‌شویم. موضوعاتی که در فیلم مطرح می‌شود، واقعیت‌های تلخ جامعه ماست که امیدواریم افراد عبرت بگیرند. گفتنی است، پس از اکران فیلم، سردار جعفری با اهدای یک جلد قرآن نفیس از مسعود ده‌نمکی تهیه‌کننده و کارگردان فیلم تقدیر کرد.

یادداشت‌های روزانه جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر

تو سیمرغی ولیکن در حجابی!

مرتضی اسماعیل‌دوست: مجریان برگزاری جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر دیگر کاملا اداره جشنواره را رها کرده و انگار عدم پذیرش مدیریت خود را به نحوی پذیرفته‌اند یا شاید شرایط نامناسب برگزاری جشنواره را در راستایی مثبت دانسته و صف‌های چندلایه و هجوم برخی تماشاگران هنگام ورود به سالن سینما را نوعی استقبال از جشنواره فرض می‌کنند! این در حالی است که جشن سالانه سینمای ایران قرار است برای اهالی سینما و رسانه‌ها در برج میلاد و برای مخاطبان علاقه‌مند در سینماهای مردمی همراه با رضایت باشد نه اینکه شوق آماردهی دبیر جشنواره را از دستاوردهای اینچنینی صادر کند. انبوهی گلایه از ناهنجاری‌های رخ داده که به دلیل فقدان مدیریت لازم صورت یافته است، جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر را به‌عنوان بدترین دوره تاریخ این جشنواره از لحاظ اجرایی قرار داده و سودای سیمرغ وعده داده شده مدیران پیش از آغاز جشنواره را به پرهای ریخته شده از انتظار و امید تبدیل کرده است تا این شعر عطار نیشابوری روان گردد که «تو سیمرغی ولیکن در حجابی»!

■ **«چهارشنبه» به کارگردانی سروش محمدزاده**

هرج و مرج مطلق در برگزاری جشنواره و معضلات ورود به سالن سینما که به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب موجب استقرار نامطلوبی می‌شود وقتی با تماشای فیلم‌های کاملا رها شده به لحاظ کیفی همراه می‌شود، ترکیب منزجرکننده‌ای را تشکیل می‌دهد. فیلم «چهارشنبه» از جمله فیلم‌هایی بوده که می‌توان آن را در صف بدترین‌های جشنواره برای کسب «تمشک طلایی» قرار داد و همه چیز برای نامزدی در این بخش مهیاست؛ از روایت پاره پاره تا موقعیت‌های شکل نگرفته، از بازی‌های تصنعی تا فیلمبرداری باری به هر جهتی، از نبود عناصر دراماتیک تا گفتارهای مضحکانه کاراکترها...

■ **«نقطه کور» به کارگردانی مهدی گلستانه**

فیلمی بی‌درد که ادعای بیان درد دارد و در نهایت همچون آثار ساخته‌شده توسط مصطفی کیایی یا نیکی کریمی در حد ادعا می‌ماند و برخلاف نگاهی هشداردهنده به جاده‌های فرعی بسیاری می‌رود و در نهایت هم هیچ عنصری از محصول ساخته شده نمی‌توان پیدا کرد که ارزش پرداخت نزد منتقد و دریافت برای مخاطب داشته باشد. «نقطه کور» که درباره بحران خانوادگی در خانواده‌هاست، هیچ بحرانی نمی‌تواند بسازد و گره‌افکنی و گره‌گشایی همچون یک بازی کودکانه با موقعیت‌ها نزد نویسنده و فیلمساز فرض شده است و از این رو شاهد انواع موقعیت‌ها و دیالوگ‌های سطحی و بروز رفتارهایی مضحکانه می‌شویم که از سوی فیلمساز تنها در بیان عنوان بحران یافته است!

■ **«لانتوری» ساخته رضا درمیشیان**

«لانتوری» هم مانند ساخته پیشین فیلمساز اسیر شعارگرایی‌های مفرطی شده که قلب سینما را از کالبد اثر دور کرده و آن را تبدیل به یک بیانیه تصویری به نفع جریانی خاص کرده است. یکی از ضعیف‌ترین آثار ساخته‌شده در این دوره از جشنواره که با حواشی بسیار به دلیل توقیف فیلم گذشته فیلمساز به اکران درآمد اما با همه شیطنت‌های جالب فرمی فیلمساز که ادامه یافته از اولین اثرش «بغض» تاکنون بوده و همراستا با قاب‌هایی نامتعارف و استفاده از عناصر صدایی و تدوینی پرشتاب و دلهره‌آور و نماهای مکرر اکستریم کلوزآپ است، نتوانسته تشکلی سینمایی به خود بیابد و حتی جزو ضعیف‌ترین ساخته‌های درمیشیان هم است. روایت چندپاره فیلم که به ظاهر درباره گروهی بزهکار بوده و ترکیبی با مسائل و نیش‌های سیاسی می‌یابد و در انتها منتهی به موضوع اسیدپاشی می‌شود، موجب گسست در بیان شده و «لانتوری» را از اثری سینمایی به ساخته‌ای عصبانی از سیاست‌زدگی می‌کشاند و بیشترین ضربه را فیلمسازی می‌خورد که نشان داده توانایی فیلمسازی را دارد.

■ **«زاپاس» ساخته برزو نیک‌نژاد**

اسم فیلم گویای احوال و فرم روایی‌اش است؛ همه چیز در حد زاپاس بوده و مساله‌ای چون سینما در این میان وجود خارجی ندارد! دورهمی تعدادی بازیگر تلویزیونی با ایده‌ای سطحی که به زور و از طریق یکسری دیالوگ‌های احمقانه می‌خواهد از تماشاگر خنده درآورد که نتیجه‌اش سریالی کوتاه از موقعیت‌های دستمالی‌شده، قاب‌هایی تلویزیونی، دیالوگ‌های لحظه‌ای و روایتی گمگشته بوده که از نگاه سطحی فیلمساز نسبت به مقوله مهم سینمای کمدی برمی‌آید!

■ **«بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا**

صدای حاتمی‌کیا به عنوان چشم‌پزشک شنیده شده و با خواب‌خواهی حیدر قرینه می‌شود؛ چشم بیداری که خسته از آرمان‌های سرکوب شده است. در ادامه تصویر بالگردی بر فراز آسمان که یادآور فیلم «چ» بوده و یک سکانس اکشن حادثه‌ای از ترور شخصیتی دولتی و محافظی که موجب نجات جان مسؤول مربوطه می‌شود، نوید فیلمی مهیج می‌دهد و ایده‌ای که توانایی تبدیل به شاهکار فیلمساز محبوب دفاع‌مقدس را دارد اما همه چیز در حد همین آرزو باقی مانده و اثری بی‌هویت از دریچه سینما برای «بادیگارد» رقم می‌خورد. به طور حتم نگاه متعهدانه حاتمی‌کیا که کاملا متفاوت از امثال میک جکسون در ساخته‌ای مشابه چون فیلم «محافظ شخصی» است، در ترکیب با فیلمنامه‌ای منسجم و خوش‌پرداخت می‌توانست تبدیل به اثر قابل تاملی شود و وجود نقاط عطفی مانند درگیری روحی حاج حیدر برای پذیرش بادیگارد بودن و تعریف متمایزی که نسبت به «بادیگارد» با «محافظ» دارد و نیز شکاف رخ داده میان عشق و تعهد در پرسوناژ الیاس می‌توانست با انعکاس قابل لمسی از احوال درونی شخصیت‌ها به ساخته‌ای ارزنده تبدیل شود اما حیدر «بادیگارد» فرسنگ‌ها به لحاظ پرداخت شخصیت با حاج کاظم «آژانس شیشه‌ای» فاصله داشته و این آثار در طبقه متفاوتی از لحاظ فنی قرار می‌گیرند. نبود شخصیت‌پردازی، وجود موقعیت‌هایی بیهوده و پرسوناژهایی اضافه مانند بازپرس تحقیقات و شعارزدگی مفرط فیلمساز، تب و تاب اثری گرم و گیرا در سینمای اکشن حادثه‌ای یا درامی تامل‌برانگیز را از «بادیگارد» ساقط می‌کند. فیلمی که با وجود فیلمبرداری ارزنده و قاب‌های هویدای کلاری توانایی خلق موقعیت از طریق پرداختی ارزنده را ندارد و همه چیز حول سکانس‌های بیهوده می‌چرخد. تنها می‌ماند اجرای ماهرانه حاتمی‌کیا در سکانس پایانی در تونل که یادآور شکوه کارگردانی در سکانس سقوط بالگرد در فیلم «چ» خواهد بود.

■ **«من» به کارگردانی سهیل بیرقی**

یکسری اتفاقات توسط کاراکتری با نام آذر با بازی لیلا حاتمی به تصویر درمی‌آید که مثلا شخص تیز و زرنگی است که می‌خواهد از هر راه مشروع و نامشروعی پول درآورد و این سکانس‌ها همچنان ادامه دارد. فیلم به اتمام می‌رسد اما نویسنده هیچ نشانه و خطی به جا نمی‌گذارد که اصلا درد این زن چیست و او کیست؟ و اصلا فیلم درباره چیست؟ «من» فقط برای سهیل بیرقی نویسنده و فیلمساز بوده و تبدیل به «ما»ی مخاطب و منتقد نخواهد شد، چون چیزی برای عرضه ندارد و تنها دلخوش به ایده‌ای شده که اتفاقا می‌توانست اثری قابل توجه از آن خلق شود اما باید دانست که نگارش فیلمنامه برخلاف نظر بسیاری از هنرمندمآبان کار راحتی نیست و نیاز به خلق روحی جاری در پرسوناژها داشته تا اثر جان یابد و در کالبد مخاطب چون نوایی خوش شروع به نواختن کند؛ سازی خوش با صدای اندیشه.

■ **«متولد ۶۵» ساخته مجید توکلی**

برخلاف تصور ابتدایی، فیلم اولی «متولد ۶۵» با همه ضعف‌های فیلمنامه‌ای از بسیاری ساخته‌های این جشنواره، اجرای بهتری یافته است و مجید توکلی با ترسیم شخصیت‌هایی قابل لمس که می‌خواهند حتی برای ساعاتی طعم خوش خوشبختی را بچشند، اگر هم نتوانسته اثری قابل تامل بسازد، حداقل فیلمی قابل تحمل را به بار نشانده است. وجود موقعیت‌هایی گروتسک به روش مارتین مک دونایی که طنز تلخی از موقعیت‌های گرفتار آمده میان فضایی کمیک و غمی نهفته در چینش روایی دارند، «متولد ۶۵» را به مسیری قابل توجه برده و رفتار کاراکترها به خوبی منعکس‌کننده فاصله طبقاتی آنهاست اما حفره‌های موجود در فیلمنامه اولین اثر مجید توکلی را در میانه دچار اختلال می‌کند و خلق موقعیت‌های گسترده و مهیج که می‌توانست ادامه یابد، با روایت عاشقانه فیلمساز خیلی ساده رها می‌شود.

■ **«امکان مینا» به کارگردانی کمال تبریزی**

اکران فیلم «امکان مینا» در ساعات پایانی روز جمعه، رونمایی از آخرین ساخته ضعیف کمال تبریزی در ادامه آثار چند سال اخیرش بود. فیلمی سردرگم در روایت‌پردازی، بی‌پرداخت از شناسنامه‌دار بودن پرسوناژها، بی‌مایه در خلق موقعیت و ناتوان در بازیگری که تنها در ایده قابل توجه بوده و در نویسندگی فرهاد توحیدی و در اجرای کمال تبریزی به جنینی مرده تبدیل شده است. به ظاهر فیلم درصدد نمایان‌سازی تردیدها و دامنه خیانت‌ورزی زوجی با نام‌های مهران و مینا بوده که از آتش منافقانه گروهکی غیرانسانی برآمده است اما نه می‌توان جز چند دیالوگ محدود و شعاری نشانی از پلیدی‌های بی‌شمار منافقان در فیلم گرفت و نه احوال کاراکترهای عیان شده در «امکان مینا»، امکان همراهی با مخاطب می‌یابند. در نهایت هم قهرمان‌پروری‌های صوری و ترمیناتوری فیلمساز در سکانس پایانی بیشتر مضحکانه جلوه یافته و در راستای کشدار کردن زمان فیلم چسبانده می‌شود!

■■■

نگاهی به فیلم «بادیگارد» از لحاظ وجود قهرمانی چون «حاج حیدر»

مردی که تعهد در چشمانش جاری است

محمود نامی: «بادیگارد» ابراهیم حاتمی‌کیا را باید در ادامه روند فیلمسازی این کارگردان خوب کشورمان به حساب آورد. فیلم تمام مولفه‌های فیلم‌های قبلی حاتمی‌کیا مانند جبهه، جنگ، درگیری، شهادت، شفاعت، شهدا، خانواده و بازماندگان آنان را داراست. آرمانگرایی، همانند تمام فیلم‌های حاتمی‌کیا، در این فیلم نیز حرف اول را می‌زند. این فیلم را باید آژانس شیشه‌ای در خیابان نامید. حیدر ذبیحی (پرویز پرستویی) این بار به جای فضای بسته یک آژانس مسافرتی، به خیابان آمده و همان نقشی را بازی می‌کند که در آژانس شیشه‌ای بازی کرده بود اما این به معنی و مفهوم بازگشت ابراهیم حاتمی‌کیا به دهه ۶۰ نیست. حاتمی‌کیا نیز دچار تحول شده است اما او زرنگ‌تر از آن است که قالب روحی و فکری جدید خود را که در ۲ فیلم اخیر وی رخ می‌نماید، به من خودی وصل کرده و شکی را که بازرس به حیدر دارد، به سمت خود بازگرداند. ابراهیم در «چ» با زرنگی هر چه تمام‌تر از یک تغییر بزرگ روحی - روانی خبر داد. «چ» را باید نتیجه تکامل روحی - روانی و افزایش دانش علمی و سینمایی حاتمی‌کیا و شناخت عمیق وی از جامعه‌ای دانست که در آن زندگی می‌کند و از مشکلات و مسائل آن بخوبی آگاه است. «چ» به معنی تمام، شاهکاری در حد مسافران بود اما آنچه ابراهیم را همزمان با نمایش این فیلم به حیرت و شگفتی واداشت، این بود که اشارات و استعاره‌های موجود در این فیلم را کسی، حتی از نخبگان جامعه متوجه نشده و به صرف اینکه فیلمی با موضوع چمران ساخته شده به تحسین و تمجید آن پرداختند. ابراهیم روی این اصل، به اجبار و با احتیاط، در بادیگارد به سمت صراحت در زبان و کلام می‌رود و در نتیجه «بادیگارد» به فیلمی تبدیل شده که حرف‌ها و مفاهیم عمیق را در قالب کلمات ساده بیان می‌کند. حاتمی‌کیا در فیلم «بادیگارد» دست روی ۲ نکته مهم و اساسی یعنی دغدغه‌های موجود در ۲ گروه شغلی (محافظان شخصیت‌ها و دانشمندان هسته‌ای) گذاشته و چالش نگاه بدبینانه به مامور حفاظت و مشکلات شخصی و عقیدتی دانشمندان هسته‌ای را به تصویر می‌کشد. در این راه تا آنجا پیش می‌رود که بدبینی موجود و مباحث پیرامون این مشاغل، اعم از شخصیتی و عقیدتی را حتی در داخل خانواده‌ها به نمایش می‌گذارد. حاتمی‌کیا مریم (دختر حیدر) را نشان می‌دهد که در دانشگاه از گفتن اینکه پدرش مامور حفاظت است، اکراه پیدا می‌کند و درباره الیاس (نامزدش) و کار او که مامور حفاظت است، می‌گوید: «کارش اعتقادی نیست، وظیفه است». این بدبینی و شک و تردید نسبت به شغل، در خود حیدر (پرستویی) نیز به وضوح آشکار است، عدم دریافت گل اهدایی معاون رئیس‌جمهور، عصبیت در تیراندازی در سالن تمرین و عدم پیگیری درجه‌های نظامی و... از تبعات این نوع نگاه به موضوع شغل حفاظت محسوب می‌شود. حیدر به گونه‌ای درگیری ذهنی از تبعات شغل خود دارد که جز به صحرای محشر نمی‌اندیشد و در نتیجه به قول اشرفی (رئیس مستقیم خود) به جای گزارش ماموریت سیستان و بلوچستان، وصیتنامه نوشته و تحویل وی می‌دهد و می‌گوید: «من نمی‌توانم محافظ سیاسی‌ها باشم؟ سیاسی‌ها انگار قوم دیگری هستند؟» اینجاست که حاتمی‌کیا جسارت و شهامتی را که اشرفی از آن حرف می‌زد (بقیه هم شهامت داشته باشند، حرفشان را می‌زنند) از خود نشان داده و می‌گوید: «بادیگارد مزدور است، اعتقاد پشت سرش نیست، چرا که اعتقاد مربوط به دهه ۶۰ است!» نکته مهم و جسارت‌آمیز دیگر فیلم، شخصیت صولتی معاون ترور شده رئیس‌جمهور است، مشاور مشکوک و دارای پرونده وی، رئیس محافظان و سایر عوامل، چنان وی را احاطه کرده‌اند که ابتکار عمل را از وی گرفته است. آنها از زبان وی سخن می‌گویند، نامه می‌نویسند، ملاقات‌هایش را کنترل می‌کنند و... خواب عمیق معنی‌دار حیدر ذبیحی (پرستویی) در زمان اعلام مرگ صولتی از تلویزیون که گوینده سعی در مرتبط کردن آن با انفجار انتحاری داشت، بسیار معنی‌دار بود و در ذات خود پیام نهفته‌ای داشت که کارگردان بیش از این جرأت ورود به آن را پیدا نمی‌کند. گفتنی است، اصرار حیدر مبنی بر پذیرش مجدد حفاظت از معاون رئیس‌جمهور، موید این نکته بود که وی بویی از توطئه برده است. سکانس‌های پایانی فیلم با انتخاب آخرین ماموریت توسط حیدر (رفتن به سوی شهادت) رنگ و بوی احساسی و اکشن به خود می‌گیرد و حیدر به‌رغم اینکه در معرض اتهام خیانت قرار گرفته بود در حالی که به مهم‌ترین فراز شعر حیدر بابای شهریار «دنیا هر آنچه را که به انسان داده است، از او خواهد گرفت» گوش می‌داد، با سپر کردن سینه خود در مقابل گلوله‌های تروریست‌ها، نشان می‌دهد که همچنان دهه شصتی باقی مانده و بر عهدی که با خدای خود بسته بود، پایدار بوده است. فیلم «بادیگارد» در مجموع فیلمی زیبا، روان، با داستان قابل تامل، معنی‌دار، دارای پیام و تاثیرگذار است. فیلمی جسورانه که اگر از تیغ ممیزی و سانسور برای نمایش عمومی عبور کند، می‌تواند در زمره فیلم‌های پربیننده کشورمان قرار گیرد. فیلم در عین حال دارای برخی صحنه‌های اضافی (پینت‌بال)، اشکالات فنی (ورود تصویربردار به کادر در صحنه تونل)، محتوایی در ارتباط با صحنه ترور و... است که در تدوین نهایی حتما مورد توجه قرار خواهد گرفت. لازم است به ابراهیم حاتمی‌کیا و کادر تهیه‌کننده این فیلم خسته نباشید گفت. اگر چه کف زدن‌های مکرر تماشاگران فیلم در پایان سانس‌های نمایش آن، خستگی را احتمالا تاکنون از تن آنان خارج کرده است.

منبع: سایت سلام سینما

رویدادها

مجیدمجیدی:

خواستم پنجره‌ای از اسلام واقعی به غرب باز کنم

مجیدمجیدی، کارگردان «محمدرسول‌الله(ص)» بیان کرد قصد داشته است با این فیلم پنجره‌ای از اسلام واقعی را برای جهان غرب باز کند تا ماهیت رحمانی دین اسلام و پیامبر(ص) را به جهان نشان دهد.

به گزارش مهر، مجید مجیدی در نشست خبری فیلم «محمدرسول‌الله(ص)» که با هماهنگی رایزنی فرهنگی کشورمان در مسکو در روز جمعه ۱۶ بهمن‌ماه در محل خبرگزاری «روسیه امروز» برگزار شد، گفت: تروریست‌ها و جریان‌های افراطی نام اسلام را به سرقت برده‌اند. مجیدی دغدغه اصلی ساخت فیلم خود را ناشی از تصویر نادرستی که از اسلام در دنیا ارائه شده دانست و با اشاره به رشد جریان‌های تروریستی و افراطی در جهان اسلام و گسترش جریان اسلام‌هراسی در غرب، ضرورت و اهمیت ساخت و نمایش این فیلم در زمان حاضر را مورد تأکید قرار داد. وی اظهار کرد: تلاش کردم با ساخت فیلم «محمدرسول‌الله(ص)» پنجره‌ای از اسلام واقعی را برای جهان غرب باز کنم، پنجره‌ای که بتواند قطره‌ای از دریای رحمت‌للعالمین پیامبر اسلام و ماهیت رحمانی دین اسلام را به جهان نشان دهد. مجیدی در این نشست خبری که با حضور خبرنگاران مختلف از خبرگزاری‌های روسیه، روسیه امروز و اسپوتنیک و شبکه‌های تلویزیونی قفقاز، المیادین، ترکیه و ارمنستان همراه بود، یادآور شد: ساخت این فیلم ۷ سال به‌طول انجامید و برای آن شهرک سینمایی پیامبر(ص) که شهرهای مکه و مدینه قدیم را در بر می‌گیرد به گونه‌ای ساخته شد که حداقل تا ۳۰ سال دیگر برای ساخت فیلم‌های تاریخی اسلامی قابل استفاده باشد.

■■■

محمود عزیزی، بازیگر سینما و تلویزیون:

«بادیگارد» فیلم نجیبی است

محمود عزیزی، بازیگر فیلم سینمایی «بادیگارد» معتقد است ابراهیم حاتمی‌کیا برای ساخت این فیلم سنگ تمام گذاشته است. به گزارش مهر، این بازیگر سینما و تلویزیون افزود: از سال‌های دور تا امروز دوست داشتم با پرویز پرستویی به عنوان یکی از بهترین بازیگران سینمای ایران همبازی باشم که خوشبختانه وقتی پیشنهاد کار در فیلم «بادیگارد» داده شد، متوجه شدم نه تنها با پرستویی بلکه قرار است با دیگر سینماگران خوب سینمای ایران مانند مریلا زارعی و ابراهیم حاتمی‌کیا کار کنم. این بازیگر با تاکید بر اینکه روند تولید این فیلم به خوبی پیش رفت، بیان کرد: خوشبختانه وقفه‌ای در کار تولید این فیلم پیش نیامد و لحظه‌های خوبی در تولید فیلم «بادیگارد» گذراندم و معتقدم فیلم نجیب و شریفی از آب درآمده است.

■■■

حاتمی‌کیا از جایگاه فرش قرمز کاخ عبور نکرد

از جمله نکات قابل توجه در حاشیه روز پنجم جشنواره فیلم فجر در کاخ رسانه برج میلاد، عدم حضور ابراهیم حاتمی‌کیا و عوامل فیلم «بادیگارد» روی فرش قرمز بود. ابراهیم حاتمی‌کیا دلیل این مساله را عدم اعتقاد به برگزاری فرش قرمز دانست و در این باره گفت: «نه من به‌عنوان کارگردان و نه هیچ‌یک از عوامل تولید فیلم روی فرش قرمز حاضر نخواهند شد». این در حالی است که سایت جشنواره فیلم فجر در تعبیری وارونه اعلام کرد استقبال زیاد مانع از برگزاری مراسم فرش قرمز «بادیگارد» شد! مراسم فرش قرمز برای فیلم‌های بخش «سینما حقیقت»، «نگاه نو» و «سودای سیمرغ» پیش از اکران فیلم‌ها برگزار می‌شود و عوامل فیلم‌ها از جایگاه ویژه تعیین شده در کاخ رسانه برج میلاد عبور می‌کنند.

■■■

ماجرای تماس دفتر رهبر معظم انقلاب با خانواده قاری مشهور مصری

شیخ طه عبدالوهاب، از اساتید تلاوت قرآن مصر در پیامی از تکریم قاریان مصری بویژه مرحوم غلوش توسط رهبر حکیم انقلاب قدردانی کرد. در بخشی از پیام او چنین آمده: شنبه هفته گذشته از دفتر سیدالقائد (رهبر حکیم انقلاب) با من تماس گرفته و شماره تلفن شیخ راغب مصطفی‌غلوش را خواستند. به آنها گفتم: تاجایی که اطلاع دارم شیخ غلوش بیمار است و نمی‌تواند جواب تلفن را بدهد و صحبت کند. چقدر خوشحال شدم وقتی شنیدم که گفتند: این شخص به قرآن خدمت کرده و بر ما حق دارد، باید سراغی از او بگیریم و ایشان را تکریم کنیم. بعد دفتر سیدالقائد با خانواده غلوش تماس گرفته و جویای احوالش شدند.